

قال الحكيم: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ
الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»

سخن گفتن، زیباترین نمودار زندگی انسان‌های
اندیشمند و بزرگوار است. از دیرباز که بشر در راه تمدن
و زندگی اجتماعی گام نهاده است نیروی بیان به عنوان
امتیاز انسان و شرافت وی قلمداد گردیده، در ارزش و
عظمت آن همین بس که خداوند در قرآن مجید پس از
آفرینش مهمترین موضوع را اعطای نیروی بیان می‌داند
آنجا که می‌فرماید: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» زبان
در دهان، شمشیر قاطعی است که می‌تواند ابزارهای
باطل را همچون عصای موسی بلعیده و سیمای حقیقت
را از زیر پرده‌های سیاه جهل و ابرهای متراکم زر و زور
و تزویر بیرون آورد. بزرگترین سلاح هدایت پیامبران
قدرت بیان بود تا آنجا که حضرت موسی دعا می‌کند:
بارالها! به من شرح صدر عنایت فرما و امر هدایت و
رسالت و ارشاد را آسان گردان و عقده و مانع را از زبان
من بردار تا بتوانم با بیانی فصیح و روشن هدفم را به
دیگران تفهیم نمایم و برادرم هارون را در امر تبلیغ
رسالت یاور و شریک من قرار بده «هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي
لِسَانًا» چرا که او از نظر بیان از من فصیح‌تر است.^(۱)
پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «الْجَمَالُ فِي اللِّسَانِ»،
زیبایی انسان در فصاحت و شیوایی زبان و بیان اوست.^(۲)
و همچنین می‌فرماید:

«جمال الرجال في فصاحة لسانه، زیبایی انسان‌ها
در فصاحت و شیوایی زبان و بیان آنان است.»^(۳)
زبان گویا و قدرت بیان در انسان به اندازه‌ای مهم و
حائز اهمیت است که علی (ع) انسان منهای قدرت تکلم
را حیوانی در صورت انسان به حساب آورده و درباره
آن فرموده است:

«مَا الْإِنْسَانُ لَوْ لَّا اللِّسَانُ إِلَّا صُورَةٌ مُّمَثَّلَةٌ
أَوْ بَهِيمَةٌ مُّمَثَّلَةٌ»

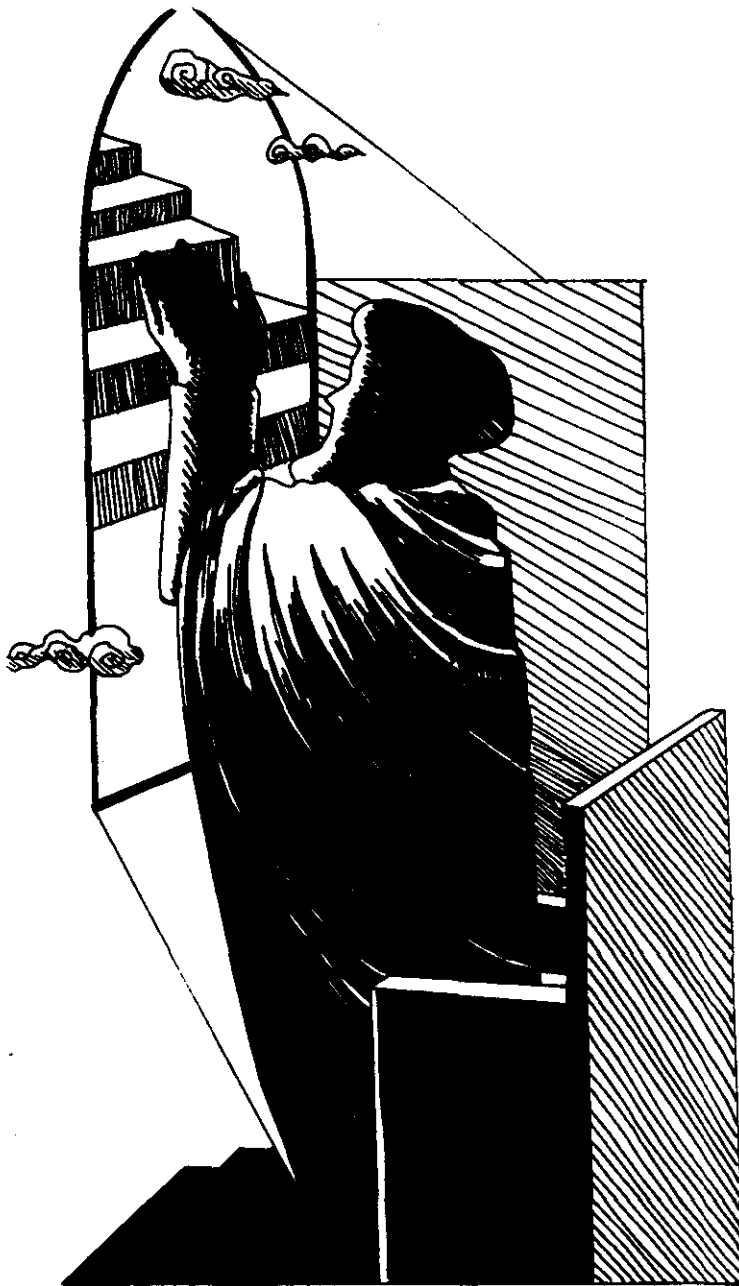
اگر در انسان زبان گویا آفریده نشده بود و
آدمی قدرت تکلم نمی‌داشت او چیزی جز
تصور ممثل یا حیوانی متروک و مهمل
نمی‌بود.^(۴)

همچنین می‌فرماید:

«لِلْإِنْسَانِ فَضِيلَتَانِ عَقْلٌ وَ مَنْطِقٌ فَبِالْعَقْلِ
يَسْتَفِيدُ وَ بِالْمَنْطِقِ يُفِيدُ»

ویرگی با می‌خطیب

محمدتقی پورمحمدی
امام جمعه مراغه



آمدن

برای انسان دو فضیلت است یکی عقل و دیگری منطق، با نیروی عقل حقایق را فرا می گیرد و با نیروی منطق و بیان اندوخته های خود را به دیگران تعلیم داده و آنان را بهره مند می سازد.^(۵)

در حقیقت سخن گفتن و بیان، رمز تعالی و تکامل بوده و از عوامل پیشرفت علم و فرهنگ به شمار می رود. خداوند انسان را با قدرت تکلم آفریده و ابزار و لوازم سخن گفتن را در ساختمان وجود وی بکار برده است.

سخن، رابط بین انسان ها و حافظ زندگی اجتماعی آنان است. بوسیله سخن، منویات خود را بیان می کنیم و نیازهای درونی خویش را به یکدیگر می گوئیم و نقش انسانی خود را ایفا می نماییم و در صورتیکه از زبان استفاده بهینه نشود ممکن است منشا اختلافات بزرگ و مفاسد غیر قابل جبران گردد و یا موجب سعادت و خوشبختی انسان باشد چنانکه پیامبر اسلام (ص) می فرماید:

«مَنْ أَصْفَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَ إِنْ كَانَ النَّاطِقُ يَنْطِقُ عَنْ لِسَانِ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَبَدَ إِبْلِيسَ

کسیکه به سخن گوینده گوش فرا می دهد، با عمل خود بندگی خطیب و گوینده را کرده است، اگر گوینده از خدا سخن گوید شنونده، خدا را بندگی کرده است و اگر از شیطان بگوید بندگی شیطان را نموده است.^(۶)

می کنند بر کسی پوشیده نیست. پس از این مقدمه و روشن شدن اهمیت قضیه اینک به خصوصیات و ویژگی های کسی که مسؤلیت با اهمیتی را بر عهده گرفته و متصدی مسند خطابه گردیده و بعنوان خطیب، ایراد خطبه می کند در دو بخش اشاره می کنیم:

- ۱- ویژگی های علمی
- ۲- ویژگی های عملی

الف) ویژگی های علمی

۱- دین شناسی

خطیب در راستای انجام رسالت خویش لازم است دارای بصیرت و آگاهی باشد و مقصود از آن، آگاهی و

در کشورهای متمدن کنونی، کسانی در کارهای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی موفقترند که بهتر می توانند خواسته ها و نظریات خود را بیان کنند و پیروزی از آن کسانی است که خوبتر و فصیح تر سخن می گویند و زیباتر می نویسند، خلاصه این که سخنوری یک هنر اجتماعی و نشانگر طرز تفکر و شخصیت انسان است. توسعه و تحول عظیمی که در وسائل تبلیغات جمعی نظیر رادیو و تلویزیون و اینترنت در عصر حاضر بوجود آمده است و بهره برداری هایی که از این وسائل در نشر افکار می شود دلیل بارز بر اهمیت فن خطابه و سخنوری در جوامع پیشرفته امروز می باشد. محبوبیت و نفوذ معنوی که سخنوران بزرگ در اجتماعات مترقی پیدا

«وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^(۱۱)

و حضرت علی^(ع) می فرماید:

«لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ»

با علم و آگاهی سخن بگویند که هیچ خیر و در سخن جاهلانه نیست»^(۱۲)

و می فرماید: «دع القول فيما لا تعرف»^(۱۳) و نه می فرماید:

«إِنَّاكَ وَالْكَلَامَ فِيمَا لَا تَعْرِفُ طَرِيقَتَهُ
لَا تَعْلَمُ حَقِيقَتَهُ فَإِنْ قَوْلَكَ يَدُلُّ عَلَى
عَقْلِكَ وَ عِبَارَتِكَ تُنْبِئُ عَنْ مَعْرِفَتِكَ»

بپرهیز از این که در چیزی سخن بگویی که راه آن را نمی دانی و از حقیقتش آگاهی نداری چه آن که گفته ات بر درجه عقلت دلالت دارد و عبارتی را که می گویی، از معرفت و آگاهی ات خبر می دهد»

زبان در دهان ای خردمند چیست

کلید در گنج صاحب هنر

چو در بسته باشد نداند کسی

که گوهر فروش است یا پيله ور

آری سخنوری که بدون علم و آگاهی، مطلبی را در کرسی خطابه مورد بحث قرار می دهد و پیرامون آن سخن می گوید، با این عمل به ارزش کلام و شخصیت خود آسیب می رساند و خویش را با عوارض نامطلوب آن مواجه می سازد. یکی از نتایج زیانبار سخن گفتن بدون علم، خود را تحقیر نمودن و از وزن و ارزش خویش کاستن است. خلاصه بنا به فرمایش رسول خدا^(ص):

«لَا يَقُومُ بَدِينِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ حَاطَهُ مِنْ جَمِيعِ

جَوَانِبِهِ

دین خداوند متعال را، تنها کسی یاری می رساند که به تمام جوانب آن احاطه داشته باشد»^(۱۴)

و به قول استاد سخن شیخ مصلح الدین سعدی که فرمود:

تا نیک ندانی که سخن عین صواب است

باید که به گفتن دهن از هم نگشایی

معرفت نسبت به دین و پیام و محتوای دعوت است که در صورت فقدان این امر ممکن است پیامدهای جبران ناپذیری را به همراه داشته باشد که به تعدادی از آن ها اشاره می شود:

از جمله عوارض ایراد خطابه بدون علم، متهم شدن گوینده است اگر خطیبی در مجلسی، چند مطلب را بگوید و تمام مطالبش بر وفق علم باشد جز یک مطلب، همان یک مطلب خلاف علم، می تواند شنوندگان را در سایر مطالب وی دودل و مردد نماید و گوینده را در تمام سخنانش به بی علمی متهم سازد. حضرت علی^(ع) در این مورد می فرمایند:

«لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ فَتُتَهَمَ بِإِخْبَارِكَ بِمَا
تَعْلَمُ»

درباره چیزی که از آن علم و اطلاعی نداری سخن مگویی که این کار موجب می شود در سایر گفته هایت متهم شوی و شنوندگان در صحت و اصالت دیگر سخنانت که از روی علم گفته ای شک و تردید نمایند»^(۱۵)

یکی دیگر از عوارض و پیامدهای سخن گفتن بدون علم و آگاهی، ضلالت و گمراهی به جای هدایت و راهنمایی خواهد بود. قرآن کریم در رابطه با این ویژگی می فرماید:

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى
بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَ
مَا آتَانَا مِنَ الْمُنْشَرِكِينَ»^(۱۶)

و نیز می فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ
بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ
أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^(۱۷)

و حضرت خضر^(ع) زمانی که تعلیم حضرت موسی^(ع) را به عهده گرفت از جانب خداوند آموزش دیده و آگاه شده بود، قرآن می فرماید:

«وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»^(۱۸)

بدین جهت است که خداوند متعال از پیروی انسان های ناآگاه نهی فرموده است:

۲- استناد به قرآن و کلام اهل بیت^(ع)

مردم است تا صرف نظر از جنبه تخصصی برخی از مسائل سیاسی، مردم به عنوان عناصر تشکیل دهنده یک کشور و نیز به عنوان بخشی از جهان اسلام بدانند در چه جایگاهی قرار دارند؟ چه کسانی بر آن‌ها حکومت می‌کنند؟ مسیر سیاست‌ها در چه کانال‌هایی هدایت می‌شود؟ دوستان و دشمنانشان چه کسانی هستند؟ تا از این رهگذر در تعیین سرنوشت خویش سهیم و بر تئوری جدایی دین از سیاست و نیز این که سیاست مختص به عده‌ای از ما بهتران است و هر چه آنان بخواهند همان خواهد شد، خط بطلان بکشند و با توجه به این که یکی از مسؤولیت‌های امامان^(ع) در فرهنگ شیعه «ساسة العباد» بودن است و به تعبیر شهید آیت الله مدرس، «سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست» و به فرموده امام راحل «حفظ نظام اسلامی از اهم واجبات است»^(۱۵) بالتبع آشنایی با سیاست و متد تحلیل پدیده‌ها از مهمترین ابزار می‌باشد تا ضمن مصداق یافتن فرمایش امام صادق^(ع) که فرمود:

یکی دیگر از ویژگی‌های خطیب این است که بدون دلیل و سند سخن نگوید و در مقام ایراد خطابه، علاوه بر قرآن که نقل اکبر است از کلمات گهربار ائمه معصومین^(ع) و عترت پیامبر^(ص) که نقل اصغر می‌باشند نیز استفاده نموده و بر آن‌ها تمسک کرده و با استناد به منابع معتبر، خطبه خویش را با بوی دل انگیز کلمات اهل بیت^(ع) معطر سازد.

چنانچه از فرمایشات خود ائمه اطهار^(ع) نیز استفاده می‌شود که حلاوت و شیرینی و زیبایی خاصی در سخنان آن بزرگواران وجود دارد که هیچ شنونده‌ای را خسته و رنجور نمی‌کند در حدیثی از امام رضا^(ع) می‌خوانیم:

«فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا
لَاتَّبَعُونَا»

اگر مردم زیبایی‌های گفتار ما را می‌دانستند
از ما پیروی می‌کردند.^(۱۶)

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَأُتَهَجَّمُ عَلَيْهِ اللُّؤَابِسُ»

شبهات بر فرد آگاه به زمان یورش
نمی‌آورد.^(۱۷)

لذا برای این که سخنان خطیب از سطح علمی بالایی برخوردار بوده و در عین حال جذاب نیز باشد و بتواند دل‌های مردم را تسخیر نموده و تحت تأثیر قرار دهد باید سخنان خود را مستند به دریای بیکران علوم الهی یعنی قرآن و عترت نموده و مستمعین عاشق را به شراب ظهور قرآن و عترت سیراب سازد.

۳- آشنایی با ادیان و مکاتب مختلف

از دیگر ویژگی‌های خطیب، آشنایی با ادیان و مکاتب مختلف می‌باشد که لازم است خطیب نسبت به آن‌ها شناخت و آگاهی کافی داشته باشد تا در مقابل معاندان و علمای ادیان مختلف و طرفداران مکاتب گوناگون بتواند از حقانیت مکتب خود دفاع نموده و مردم را نسبت به سست بودن مبانی ادیان تحریف شده و مکاتب الحادی و مخدر آگاه ساخته و اقشار مردم بویژه جوانان را از گرفتار شدن در گرداب مهلک چنین مکاتب و عقاید انحرافی و بی‌پایه بر حذر نماید.

۵- مخاطب شناسی

یکی از نکات قابل توجه و مهم برای خطیب، مخاطب شناسی او است. با توجه به این که مخاطبان از اقشار مختلف مردم می‌باشند طرح مباحث باید به گونه‌ای صورت پذیرد که برای همه، قابل فهم و درک بوده و در عین حال موجب خستگی و بی‌حوصلگی نگردد اگرچه تأمین چنین خواسته‌ای امری بسیار دشوار خواهد بود ولی خطیب باید بر تحقق چنین مطلوبی سعی و تلاش نماید چرا که در صورت عدم تحقق این امر مهم، خطیب از استعدادها و نیازهای تبلیغی مخاطبین آگاهی نداشته و بی‌تردید در رسیدن به اهداف خود مشکل خواهد داشت. از ویژگی‌های مهم و اصلی یک برنامه

۴- قدرت تحلیل سیاسی عمومی

قدرت داشتن بر تحلیل سیاسی عمومی از ویژگی‌هایی است که برای تقویت جنبه سیاسی خطبه لازم است مورد عنایت ویژه و توجه قرار گیرد و تحلیل سیاسی عمومی عبارت از درک پدیده‌های سیاسی و کشف ارتباط تسلسلی حوادث و بیان آن برای عامه

از یکسو و نیازهای فطری مردم از سوی دیگر است. مکرر اتفاق افتاده است که تبلیغ و خطابه در یک موضوعی اثر عکس برجای گذاشته است. مهمترین دلیل این مسأله را می توان سخنرانی علیه نیازهای طبیعی و فطری مخاطبین دانست. استاد مطهری در این باره می گویند:

«از نظر روانشناسی مذهبی، یکی از موجبات عقب گرد مذهبی این است که اولیای مذهب، میان مذهب و یک نیاز طبیعی تضاد برقرار کنند مخصوصاً هنگامی که آن نیاز در سطح افکار عمومی ظاهر شود.»^(۹۱)

اگر در برنامه ریزی تبلیغی خطیب، میان دین و حقوق سیاسی، اجتماعی و مخصوصاً خواسته های فطری تضاد برقرار نشود نه تنها تبلیغ موفق نخواهد بود بلکه تبدیل به ضد ارزش خواهد شد. خطیبی که دینداری را به محترم نبودن حقوق مردم و یا مثلاً ترک دنیا، مخالفت با شادی و تفریح سالم، ترک ازدواج تفسیر کند در واقع علیه دین تبلیغ می نماید خطیب اگر به واقع دین شناس بوده و از طرفی مخاطبین خود را مد نظر قرار داده و با نیازهای فطری آنان آشنایی داشته باشد هرگز به نام دین و برای تبلیغ دین با خواست فطری مردم و حقوق طبیعی آن ها مخالفت نخواهد نمود.

۶- زمان و مکان شناسی

از ارکان مهم خطابه که بازگشت به آگاهی های علمی خطیب می کند زمان و مکان شناسی است این بدان معناست که خطیب بدون شناخت و آگاهی از زمان و مکان قدرت کافی برای برنامه تبلیغی و خطابه خود نخواهد داشت - چرا که مقتضیات زمانی و مکانی تأثیر مستقیم در چگونگی محتوا و ایراد خطبه خواهد داشت و بدون در نظر گرفتن این شرایط چه بسا مشکلاتی در راستای تحقق اهداف سخنران و خطیب بوجود آید. زمان شناسی به خطیب این امکان را می دهد که از زمان عقب نمانده و بر حسب پیشرفت های زمانی ابزارها و شیوه های تبلیغی خود را متحول کند. دقت در روش های متفاوت پیامبران الهی در بهره گیری از ابزارهای گوناگون رایج و مورد نیاز در عصر و زمان خود، برای خطبا بسیار آموزنده است. در دورانی که جادوگری در جامعه حرف اول را می زند ابزار تبلیغی حضرت موسی^(ع) ازدها شدن عصا و ید بیضا می باشد و در عصری دیگر که سخنوری و نظم گویی بیشترین تأثیرگذاری فرهنگی و اجتماعی را دارد بزرگترین ابزار تبلیغی پیامبر اسلام^(ص) قرآن است که معجزه ای کلامی

تبلیغی و خطابی، برنامه ریزی صحیح می باشد که لازمه آن بدون تردید مخاطب شناسی است. مبلغ و خطیب تا وقتی که ظرفیت فکری و روحی مخاطب خود را نداند و از زمینه های ذهنی و روانی و میزان تأثیرپذیری مخاطب اطلاعات کافی نداشته باشد و موانع تأثیرپذیری مخاطب را تشخیص ندهد نمی تواند برنامه ریزی صحیحی برای تبلیغ و سخنوری داشته باشد. قرآن و احادیث اهل بیت^(ع) نیز مخاطب شناسی را مورد توجه قرار داده و شناخت مردم را از نظر ظرفیت ها و استعداد های طبیعی و اکتسابی و میزان تأثیرپذیری آنان مفید و سازنده دانسته است که با در نظر گرفتن این تفاوت ها، هر سخنی را برای هر کسی مفید و سازنده دانسته است که با در نظر گرفتن این تفاوت ها، هر سخنی برای جمعی دیگر غیر مفید و حتی زیانبار باشد از این رو است که انبیاء الهی نیز موظف بوده اند در تبلیغات و برخوردهای خود ظرفیت های متفاوت مردم را از نظر فکری و روحی در نظر داشته باشند.

رسول خدا^(ص) می فرماید: «لَا تُحَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا لَا يَعْرِفُونَ أَوْ تُحِبُّونَ أَنْ يُكَذِّبَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ»

برای مردم آنچه را که نمی دانند و نمی پندیرند بازگو نکنید آیا دوست دارید که خدا و رسولش مورد تکذیب قرار گیرند.»^(۹۲)

شیوه تبلیغی پیامبر^(ص) نسبت به افراد متفاوت بوده و در مورد هر فردی و گروهی ابزار خاص خود را بکار می برد. استاد بزرگوار شهید مطهری در این زمینه می فرماید:

«پیامبر^(ص) آبرار و وسایلی بکار می برد، یک جا قدرت بکار می برد، یک جا مرهم، یک جا با خشونت و صلابت رفتار می کرد و در جایی دیگر با نرمی، ولی مواردش را می شناخت. شمشیر را جایی می زد که مردم را بیدار کند نه به خواب کند، اخلاق را در جایی و جمعی بکار می برد که سبب آگاهی و بیداری شود.»^(۹۳)

یکی از نکات مهمی که درباره اهمیت مخاطب شناسی ذکر آن لازم به نظر می رسد این است که مخاطب شناسی سبب جلوگیری از تبدیل ارزش به ضد ارزش و ایجاد تضاد ناخود آگاه بین خواستگاه دین

می باشد. در همین راستا آشنایی و رعایت خصوصیات مکانی نیز دور از تأثیر و فایده نیست مکان‌هایی مثل مسجد، مصلاي نماز جمعه، میعادگاه‌های نماز عیدین، تجمع گاه مراسم برائت از مشرکین، نمونه‌هایی هستند که ویژگی خاص آن‌ها در چگونگی ایراد خطابه، محتوا و جنبه‌های اجتماعی، عبادی و سیاسی آن تأثیر بسزایی خواهد داشت توجه به این مهم نیز ضروری است که نقش زمان و مکان مختص به تحول و ابرارگری نیست بلکه از این جهت که پاره‌ای از احکام اسلام تابع شرایط زمانی و مکانی هستند نیز لازم است برای تطبیق محتوای مطالب خطابه با شرایط موجود از جهات مختلف شناخت کافی با زمان و مکان ایراد خطابه داشت چنانچه امام صادق^(ع) فرمود:

«عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ

بر عاقل است که آگاه به زمان خود باشد.»^(۳۰)

کند، بی توجهی مردم و عدم تشکر آن‌ها برای او بسیار سخت و جانکاه خواهد بود. اما اگر از ابتدا قصد و هدفش جلب رضایت خداوند متعال باشد بی توجهی مردم به هیچ وجه اثری بر وی نخواهد گذاشت. خطیب اگر عزت نفس نداشته باشد، باید چشم به این و آن بدوزد و برای تأمین اهداف این و آن خطابه ایراد کند که نتیجه‌اش ستایش از کسی است که به او چیزی می‌بخشد و سرزنش کسی است که از عطا منع می‌کند. خطیب باید توجه داشته باشد که زیادی و کمی زندگی به دست خداست و با این اعتقاد و با اخلاص، بدون هیچ چشم‌داشتی از تعریف و تشکر و عطایای مردم، به امر تبلیغ مبادرت بکند، همانطور که در مناجات شعبانیه می‌خوانیم:

«بَيْدِكَ لَا يَبِيدُ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَ نَقْصِي

خدایا؛ زیادی و کمی زندگی من به دست توست نه بدست غیر تو.»^(۳۱)

ب) ویژگی‌های عملی و اخلاقی

۱- اخلاص

اخلاص در عمل رمز موفقیت خطیب است زیرا مؤثر واقعی، خداوند است اگر تبلیغ و خطابه بخاطر خدا انجام گیرد بر دل‌ها اثر خواهد گذاشت.

اخلاص در خطابه و تبلیغ دین، شیوه تمامی رسولان الهی همچون حضرت نوح، هود، صالح^(ع) و خاتم پیامبران حضرت محمد^(ص) بوده است که به مردم می‌فرمودند:

«وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي

إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

من برای رسالت خویش از شما پاداشی نمی‌خواهم و پاداش من تنها نزد خداوند است.»^(۳۲)

و چنانچه اهل بیت پیامبر^(ص) در ماجرای اطعام یتیم و اسیر و مسکین به آنان گفتند:

«لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا

ما از شما انتظار پاداش و سپاس نداریم.»^(۳۳)

اگر خطیب برای رضایت و جلب توجه مردم کار

۲- شجاعت

یکی دیگر از صفات و ویژگی‌های خطیب این است که با شجاعت و قاطعیت تمام، در مقابل کجروی‌ها بایستد و بجز خدا از کسی نترسد. قرآن این گروه شجاع را که مبلغ دین خدا هستند این چنین معرفی کرده است:

«الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ

لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ

کسانی که رسالت و پیام دین خدا را به مردم می‌رسانند و از خدا می‌ترسند و از احدی غیر از خداوند هراسی ندارند.»^(۳۴)

وظیفه خطیب آن است که بدون ترس، جلو بدعت‌ها را بگیرد و این عهدی است که خداوند از او گرفته است چنانکه پیامبر اسلام^(ص) فرمود:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ

عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ

هنگامیکه بدعت‌ها در امت من ظاهر شوند بر عالم است که علم خویش را ظاهر سازد و کسی که چنین نکند لعنت خدا بر اوست.»^(۳۵)

خطیب باید در گفتن حقایق شهادت داشته باشد و

بخاطر ترس از زورمندان و مستکبران حقایق را کتمان نکنند آن گونه که ابراهیم^(ع) بر کافران شورید و با شهادت تمام فرمود:

«و تَاللهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ»

به خدا قسم حتما بتهای شما را در هم می شکنم.^(۳۶)

خطیب مؤمن در راه گفتن حقایق دین هیچگونه هراسی از سرزنش سرزنش کنندگان ندارد؛

«يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ

لَوْمَةَ لَائِمٍ»^(۳۷)

رسول خدا^(ص) وقتی می خواهد معاذ را برای تبلیغ به یمن بفرستد می فرماید:

«لَا تَخَفْ فِي اللَّهِ لَوْمَةَ لَائِمٍ

ای معاذ؛ در راه خدا از سرزنش سرزنش کنندگان مترس.»^(۳۸)

آری خطیب باید در راه رساندن پیام خود از هیچ قدرتی هراس نداشته باشد و در این راه شهادت و شجاعت نشان بدهد در غیر اینصورت کسی که ترسو و زیون است و از هر قدرت کوچک و بزرگی می هراسد نمی تواند در مقابل هجمه های بی امان دشمنان اسلام دوام بیاورد و خلاصه باید در رساندن رسالت دینی خود چون پیامبران و ائمه اطهار^(ع) و عالمانی چون میرزای شیرازی، سید محمد مجاهد، شیخ فضل الله نوری، سید حسن مدرس، رهبر کبیر انقلاب اسلامی (قدس سره) و فرزند خلفش رهبر فرزانه و حکیم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله) در برابر دشمنان با قامت استوار ایستاده و با شجاعت نقشه های آنان را نقش بر آب سازد.

خلاصه خطیب باید با شجاعت، قوت و صراحت سخن بگوید چرا که شجاعت او در چگونگی تأثیر سخنانش بر شنوندگان دخیل است. شجاعت خطیب بر نفوذ سخنش می افزاید و شنوندگان با اطمینان خاص به مطالب او گوش فرا داده و زودتر اقناع می شوند. شجاعت برای خطبای دینی بشرط آن که از مرز شرع تجاوز نکند امری است لازم و ضروری، زیرا اینان از دین خدا سخن می گویند و اگر از ترس لب فرو بندند و عقب نشینی نمایند برای دین مقدس اسلام گران و سنگین است و برای مسلمانان موجب خجالت و

سرافکندگی.

شجاعت و شهادت برای خطیب اسلامی از آن قسم ذخایر و سرمایه های روحی است که با پرداخت پول بدست نمی آید. این متاع پر ارج و گران بها را فقط با ایمان به خدا و اتکا به ذات اقدس الهی می توان تهیه نمود. بنابراین هر قدر ایمان خطیب قویتر و توجهش به خدا بیشتر باشد، شجاعتش در بیان حقایق دین و استقامتش در مقابل مخالفین فزونتر خواهد بود.

۳- سعه صدر و صبر و استقامت

از دیگر صفات و ویژگی های خطیب، سعه صدر، صبر و پایداری در مقابل سختی های موجود در این راه می باشد. حضرت موسی^(ع) بعنوان یک مبلغ، هنگام رفتن بسوی فرعون برای هدایت او و آگاه نمودن مردم از پروردگارش فراخی سینه و قدرت تحمل سختی را درخواست نمود زیرا وجود این صفت برای مبلغ ضروری است.

«رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي

خدایا؛ سینه ام را وسعت ده و کارم را آسان ساز.»^(۳۹)

خطیب باید بداند که مخاطبان او یکسان نیستند و بعضی به زبان، سخن را قبول می کنند اما در قلب ایمانی ندارند. بنابراین نباید خطیب صبر خود را از دست بدهد و اندوهگین شود و روحیه خود را ببازد چون خطیب با ایمان از زخم زبان ها و طعنه های منکران غمگین نمی شود و صبر پیشه می کند و می داند که عزت برای خداست و او شنوا و داناست. او آرام و با اطمینان قلبی و با منطقی درست همچون اولیای الهی، تهمت های دشمنان و جاهلان را پاسخ می دهد، چنانچه به حضرت نوح گفتند:

«إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

ای نوح ما تو را در گمراهی آشکار می بینیم.»

و حضرت نوح در جواب فرمودند:

«لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ

العَالَمِينَ

ای قوم من در گمراهی نیستم بلکه فرستاده شده از طرف پروردگار جهانیان هستم.»^(۴۰)

و همچنین به حضرت هود^(ع) گفتند:

«إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ

الكَاذِبِينَ

ما تو را بی خرد می یابیم و گمان می کنیم
که از دروغگویان باشی»

که حضرت هود در جوابشان فرمود:

«لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ

الْعَالَمِينَ

ای قوم مراسمات نیست بلکه من فرستاده
پروردگار جهانیان هستم.»^(۳۱)

آری کسی که قدم در مسیر رسولان الهی گذارده باید
همانند آنان صبور باشد و با تهمت ها، شایعات و
دروغ پردازی های دشمنان، سنگر تبلیغی خود را رها
نکند. خطیبی که پیرو رسول خدا^(ص) است باید همچون
رهبرش مأمور به استقامت در امر تبلیغ باشد؛

«فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ»^(۳۲)

سخن گفتن و تبلیغ دین، گاهی زندان، شکنجه و
تبعید نیز بدنبال دارد ولی خطیب باید آگاه و صبور باشد
آگاه به توطئه کسانی که دشمنی با دین و مبلغین دینی
دارند و وقتی موفقیت کسی را در این راه می بینند
می خواهند با تهمت و افتراء آن شخص را از صحنه
خارج کنند از این رو خطیب باید به اینگونه مسائل
آگاهی و در برابر آن ها از خود صبر و بردباری نشان دهد
و پیامبران، ائمه اطهار و علمای بزرگی چون خواجه
نصیرالدین طوسی^(۳۳)، مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی را
الگوی خود سازد.

«نقل شده که شخصی در نامه ای به خواجه
نصیرالدین طوسی نوشته بود (یا کلب بن کلب). خواجه
پس از خواندن نامه در پشت آن نوشت: ای برادر اشتباه
کرده ای، سگ چهار پا دارد و من دو پا و من مستوی
القامه هستم و ایستاده راه می روم ولی سگ چهار دست
و پا راه می رود، ناخن های سگ دراز است و پشم دارد
در حالیکه من اینگونه نیستم» و نقل شده «مرحوم سید
ابوالحسن اصفهانی^(۳۴) در کنار شط کوفه، انبوه نامه های
فحش و ناسزاهای مردم را به آب می ریختند. خلاصه
همین صبر و تحمل در مقابل فحش ها و ناسزاهای عامل
مهم نفوذ در قلب های مردم بوده است.»^(۳۵)

۴- راستگویی

صداقت و راستگویی از صفات دیگر خطیب است
و خطیب راستگو جایگاه و منزلت خاصی در بین مردم
دارد زیرا همه انسان ها صداقت و راستگویی را دوست
دارند.

و این مطلب، طبیعی است که هرکسی بر همه علوم
مسلط نیست. بسیاری از مطالب را نمی داند، نقص ها و
ضعف هایی در او وجود دارد کسی که سعی دارد با
دروغگویی برای جلوگیری از لطمه دار شدن شخصیت
اجتماعی اش، کمبودها را بپوشاند، نشان از بی صداقتی
او است.

قرآن در مورد پیامبر^(ص) می گوید:

«لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَا

أَعْلَمُ الْغَيْبِ وَ لَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ

من به شما نمی گویم که گنج های خدا نزد
من است و نه آن که از غیب آگاهم و
نمی گویم که من فرشته ام.»^(۳۶)

برخوردهای این چنینی خطیب با مردم و سعی در
پوشاندن کمبودها بوسیله دروغگویی، یکی از عوامل
مؤثر در جدایی خطیب و مردم است. اما برخوردهای
صادقانه گرچه در ظاهر از ارزش انسان می کاهد و در
نظر دیگران فردی عادی جلوه می کند، اما فاصله ها را از
بین می برد و مردم شیفته مبلغ و خطیبی با این
خصوصیات می شوند.

یکی دیگر از سفارشات پیامبر^(ص) برای مغاذ تأکید بر
صداقت در گفتار است چراکه عامل مهم در موفقیت
یک خطیب است؛

«يَا مَعْزَدُ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ صِدْقِ

الْحَدِيثِ»^(۳۷)

سخنان خطیب باید بر اساس علم و صداقت باشد و
آنچه را نمی داند دنبال نکند که گوش و چشم و دل ها
همه در مقابل این سخنان مسؤولند:

«وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ

السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ

عِنْدَهُ مَسْئُولًا»^(۳۸)

امام صادق^(ع) می فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَ الْفَاجِرِ»

خداوند هیچ پیامبری را به رسالت بر نینگیخت مگر به راستگویی و ادای امانت به نیکوکار و بدکار.^(۳۷)

۵- توکل به خدا

در عین حال که عمل مبلغ در هدایت انسان‌ها بسیار مؤثر است ولی باید توجه داشت که مؤثر واقعی خداست و مبلغ ابزاری بیش نیست. خداوند در قرآن در این باره به پیامبر می‌فرماید:

«إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ»

ای رسول ما، تو نمی‌توانی هرکس را که بخواهی هدایت کنی اما خدا هرکس را بخواهد هدایت می‌کند.^(۳۸)

در جای دیگر می‌فرماید:

«وَ مَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ»

ما تو را نگهبان و وکیل مردم قرار ندادیم.^(۳۹)

و همچنین می‌فرماید:

«لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ»

هیچ چیز به دست تو نیست.^(۴۰)

ولی اگر خدا بخواهد یک پرنده یعنی هدهد با بردن نامه‌ای از سلیمان به ملکه سبا وسیله ایمان مردم یک منطقه وسیع و گسترده قرار می‌گیرد. از این رو یک خطیب نه از ایمان مردم باید دچار عجب شود و نه از کفر آنان دچار یأس و ناامیدی بلکه باید در لحظه لحظه حرکت، به خدای بزرگ توکل کند

«فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»

پس هنگامی که تصمیم گرفتی به خدای بزرگ توکل کن.^(۴۱)

و در حدیثی از امام باقر^(ع) می‌خوانیم:

«مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يَغْلِبْ»

کسیکه به خدا توکل کند مغلوب نمی‌شود.^(۴۲)

و البته منظور از توکل این است که در برابر عظمت مشکلات، انسان احساس حقارت و ضعف نکند بلکه با اتکای بر قدرت بی‌پایان خداوند، خود را پیروز و فاتح بداند و به این ترتیب توکل و امید آخرین نیروبخش و تقویت کننده و سبب فزونی، پایداری و مقاومت است و اگر مفهوم توکل به گوشه‌ای خزیدن و دست روی دست گذاشتن بود معنی نداشت که این صفات به مجاهدان و مانند آن‌ها نسبت داده شود.

۶- ادب، نرمخویی، دلسوزی و مهربانی

نرمی تنها صفت سخن نیست بلکه در برخوردان نیز لازم است چرا که با نرمی، مهربانی و ادب، مردم به طرف دین خدا جذب می‌شوند. به تجربه ثابت شده است که با زور و درشتی و اکراه و بی‌ادبی نمی‌توان کسی را هدایت نمود. خداوند به رسولش می‌فرماید:

«أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»

ای پیامبر! آیا مردم را با جبر و اکراه می‌توانی مؤمن گردانی؟^(۴۳)

مهربانی با مردم آنان را جذب می‌کند و تندخویی و سخت دل بودن آن‌ها را از دین خدا دور می‌سازد خداوند در دستوری که به حضرت موسی و هارون داده و آنان را بسوی فرعون طغیانگر گسیل داشته می‌فرماید:

«فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى»

با نرمش سخن بگویند شاید او متذکر شود و از خداوند بیم پیدا کند.^(۴۴)

و همچنین به پیامبر اسلام می‌فرماید:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»

ای رسول! رحمت خدا تو را مهربان و خوش خلق گردانید و اگر تندخو و سخت دل می‌بودی مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند.^(۴۵)

پس با آنان به نیکی سخن بگو: «قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا»^(۳۶)

خطیب با توجه به این مطلب که دین اسلام، دین سختگیری نیست نباید افراد بی محبت و تنگ نظر را با درشتی و تکبر از اطراف خود دور بکند چرا که این روش و شیوه پیامبر اسلام نبوده است. در جریان فتح مکه، سعد بن عباده فریاد زد: «الْيَوْمَ يَوْمَ الْمَلْحَمَةِ»، امروز روز انتقام است و پیامبر^(ص) با شنیدن این جمله پرچم را بدست علی^(ع) داد و فرمود بگو: «الْيَوْمَ يَوْمَ الْمَرْحَمَةِ»، امروز روز رحمت است.^(۳۷)

همان پیامبر^(ص) معلمین و مبلغین را مورد خطاب قرار داده می فرماید: «لَيْتُوا لِمَنْ تَعْلَمُونَ» با کسانی که به آنان علم می آموزید نرم باشید.^(۳۸)

خطیب نباید با سختگیری های بی مورد و تند خویی، مردم را از اسلام و روحانیت دور نماید باید سعیش در آسان جلوه دادن مقبولات اسلامی باشد و حالت نشاط و بی نشاطی و ضعف و قدرت مردم را در نظر بگیرد. در رابطه با اهمیت ادب در خطیب و مبلغ به حدیث منقول از پیامبر اسلام^(ص) بسنده می کنیم که فرمود:

«من كان أمرا بمعروف فليكن أمره

ذلك بمعروف

كسبكه امر به معروف می کند باید آنرا با

نیکی توأم سازد.»^(۳۹)

۷- تواضع و فروتنی

از جمله صفاتی که انسان را به تکامل سوق می دهد و از نظر خدای بزرگ و بندگانش پسندیده است صفت فروتنی است که خداوند به پیامبرش دستور می دهد که:

«اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

مؤمنانی را که از تو پیروی می کنند زیر بال

محبت خود بگیر و نسبت به آن ها متواضع

باش.»^(۴۰)

و خطاب به عموم انسان ها می فرماید:

«وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ

تَخْرُقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طَوْلًا

ای انسان هرگز در زمین با کبر و غرور راه

مرو که هر قدر پا را محکم به زمین بکوبی

آن را نمیتوانی بشکافی و هر چه گردن
برافرازی به بلندی کوه ها نخواهی رسید.»^(۴۱)

امیرالمؤمنین علی^(ع) به هنگام رحلت فرمودند:

«عَلَيْكَ بِالتَّوَّاضِعِ فَإِنَّهُ مِنَ أَعْظَمِ الْعِبَادَةِ

بر تو باد به تواضع چرا که تواضع از

بزرگترین عبادات است.»^(۴۲)

و نیز از آن حضرت نقل شده که فرمود:

«زِينَةُ الشَّرِيفِ التَّوَّاضِعُ

زینت یک انسان شریف تواضع است.»

تواضع عبارت است از این که انسان خود را نه تنها بالاتر از دیگران نبیند بلکه دیگران را از خود بهتر بداند و این صفت از هر فردی پسندیده است ولیکن از اشخاصی که دارای شخصیت ظاهری یا معنوی هستند نیکوتر است. لذا بر خطیب برآورنده است که خود را به این صفت آراسته و در برخورد با مردم تواضع را مراعات فرماید به هر حال تواضع از صاحب مقام و عنوان شایسته است ولیکن بعضی چنان خود را گم می کنند که سر را از پا تشخیص نمی دهند، امیدوارم خداوند ما را از شر هوا و هوس نفسانی محافظت فرماید.

۸- شخصیت و خوش سابقگی

شخصیت گوینده و سابقه خوش آن و قدر و منزلتی که در افکار عمومی دارد موجب توجه بیشتر مردم می شود به هر نسبتی که ناطق محبوبتر باشد و مقبولیتش در جامعه بیشتر، به همان نسبت توجه مردم به سخنش زیادتیر و اثر کلامش فزونتر خواهد بود. لذا پیامبران نیز از اشخاص خوش سابقه برگزیده می شدند و سابقه خوب، صفت همه اولیای الهی بوده است که مسؤولیت دین را به عهده داشته اند قوم حضرت صالح^(ع) به هنگام دعوتش از آن ها و معرفی خودش به عنوان نبی، به او گفتند:

«يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا

ای صالح تو پیش از آن که دعوی نبوت کنی

در میان ما مورد اعتماد و مایه امیدواری

بودی.»^(۴۳)

همچنین حضرت یونس^(ع) به قوم می گوید:

«فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ»

من پیش از این، عمری را با شما زیستم (و سابقه‌ام برای شما روشن است) آیا تفکر نمی‌کنید؟^(۵۴)

در صورتی که خطیب شناخته شده و با شخصیت و خوش سابقه باشد، کمتر مورد انکار قرار می‌گیرد:

«أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ»^(۵۵)

و مردم به او روی می‌آورند و همچون رفقای زندانی یوسف^(۲) به او می‌گویند که ما تو را از نیکوکاران می‌یابیم.

«إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»^(۵۶)

سابقه خانوادگی خطیب نیز اهمیت فراوان دارد و اگر رسول خدا^(ص) اجدادی موحد همچون ابراهیم خلیل^(ع) و پدری همچون عبدالله و مادری مانند آمنه نمی‌داشت سرعت موفقیتش کمتر بود و حضرت مریم^(ع) اگر پدر و مادری صالح نمی‌داشت مردم پاکی او را به هیچ وجه باور نمی‌کردند از این رو اولین جمله‌ای که به او گفتند اشاره به همین نکته دارد:

«يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ
وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا»

ای مریم، خواهر هارون، نه پدرت ناصالح بود و نه مادرت بدکاره^(۵۷)

رسول خدا برای عطر و بوی خوش بیشتر از غذا خرج می‌کردند.^(۵۸)

مسأله نظافت و آراستگی ظاهری آنقدر مهم است که پیامبران نباید مرض‌هایی داشته باشند که تنفر عمومی ایجاد کند، رعایت نظافت و پوشیدن لباس تمیز و استعمال بوی خوش، هم احترام به مردم و مسجد است و هم دعوت عملی برای حضور مردم در مساجد. خداوند می‌فرماید:

«خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»

در هر مسجدی با زینت‌های خود حضور یابید.^(۵۹)

و درباره امام رضا^(ع) می‌خوانیم:

«إِذَا بَرَزَ لِلنَّاسِ تَزَيَّنَ لَهُمْ»

شیوه آن حضرت این بود که هرگاه می‌خواست به میان مردم برود خود را منظم و آراسته می‌ساخت.^(۶۰)

همچنین هنگامی که مردم داخل مسجد پیامبر می‌شدند مکان امام زین العابدین^(ع) را از شدت بوی خوش آن می‌شناختند. یکی از دلایلی که جوانان، مجالس عروسی و شادی را دوست دارند بوی خوش و لباس‌های تمیز و زیباست که در اینگونه مجالس فراوان به چشم می‌خورد و اسلام از مسلمانان خواسته تا در همه حال مخصوصاً در مساجد و مکان‌های دینی با نظافت و آراستگی ظاهری حاضر شوند.

۱۰- اعتماد به نفس

اعتماد به نفس، از شرایط ابتدایی و اساسی سخن گفتن است و حتی می‌بایست جلوتر از هر چیزی روی آن بحث می‌کردیم، در عین حال نداشتن اعتماد به نفس که برای یک خطیب، مخصوصاً افراد جوان و تازه‌کار عوارض آن در پریدن رنگ رخسار، لکنت زبان، خیس عرق شدن، از دست دادن حافظه، به هم خوردن تفکر و بالاخره آشفته‌گویی و ناتوانی از ادای حق سخن بروز می‌نماید، یکی از مشکلاتی است که می‌بایست برای رفع آن اقدام نمود و بجای آن ثبات و اعتماد، صراحت و قدرت و جرأت و شجاعت جایگزین ساخت. به هر حال، با دانایی بیشتر و تمرین‌های مکرر می‌بایست روحیه را تقویت نمود تا لکنت زبان، رنگ‌پریدگی و آشفته‌گی ظاهر برطرف گردد. امام علی^(ع) هم، سرچشمه

۹- نظافت و آراستگی ظاهری

یکی از عوامل موفقیت خطیب در راه تبلیغ اسلام تمیزی و آراستگی ظاهری او است پاکیزگی لباس از مهمترین نشانه‌های شخصیت و تربیت و فرهنگ انسان است و انسان‌ها به طور فطری زیبایی و تمیزی را دوست دارند، به همین دلیل است که پیامبر^(ص) به نظافت لباس، بدن و دندان توجه زیادی داشتند و خوشبویی حضرت زبان‌زد همه مردم بود. امام صادق^(ع) می‌فرماید:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَنْفِقُ عَلَى الطَّيِّبِ
أَكْثَرَ مَا مِمَّا يَنْفِقُ عَلَى الطَّعَامِ»

بهبودی و اصلاح این ظواهر ناراحت کننده را تقویت
وضع روحیه می‌داند و می‌فرماید:

«صَلَاحُ الظَّوَاهِرِ عُنْوَانُ صِحَّةِ الضَّمَائِرِ»

صلاح و سلامتی وضع ظاهری انسان،
نشانه‌ای است که از سلامت و آراستگی
روحیه و اعصاب منشأ می‌گیرد.^(۳۱)

دلیل کارنگی می‌گوید: «ترس نتیجه فقدان اعتماد
است و فقدان اعتماد هم نتیجه نداشتن اطلاعات کافی
درباره کاری که می‌خواهید انجام دهید می‌باشد و این
هم از فقدان تجربه سرچشمه می‌گیرد پس باید تمرین
کنید و دارای تجارب موفقیت آمیزی شوید»^(۳۲)، ناگفته
نماند غیر از ویژگی‌های ده گانه عملی و اخلاقی که به
آن‌ها بطور اختصار پرداخته شد موارد دیگری نیز وجود
دارد که می‌توان از ویژگی‌های اخلاقی خطیب اسلامی
به شمار آورد و لکن در این مقاله به همین مقدار بسنده
کرده و آنرا با توصیه‌های چهارده گانه دکتر دلیل کارنگی
به پایان می‌بریم:

- ۱- موقعی که خسته هستید نطق نکنید بلکه استراحت
کرده و نیروی خود را ذخیره نمایید.
- ۲- قبل از نطق کردن، مقداری غذا بخورید.
- ۳- کاری نکنید که انرژی شما کاسته شود، زیرا انرژی
قوه مغناطیسی دارد و مردم در اطراف مرد با انرژی
جمع می‌شوند.
- ۴- بطور آراسته و مناسب لباس بپوشید تا جذاب واقع
شوید.
- ۵- تبسم کنید تا شنوندگان احساس کنند از دیدن آن‌ها
خوشحالید.
- ۶- شنوندگان را در یک نقطه جمع کنید زیرا هیچ
گروهی را در موقعی که پراکنده است به آسانی
نمی‌توان تحت تاثیر قرار داد.
- ۷- اگر برای عده کمی صحبت می‌کنید آن‌ها را در یک
اتاق کوچک جا دهید و در جای مرتفع دور از
شنوندگان قرار نگیرید.
- ۸- هوای محل سخنرانی را پاکیزه و تهویه شده نگاه
دارید.
- ۹- محلی را که در آن سخنرانی می‌کنید، روشن نگه
دارید تا نور به صورت شما بتابد و همه شما را ببینند.
- ۱۰- اگر افرادی در اطراف شما قرار دارند با کوچکترین
تکان خوردنی سبب حواس پرتی شنوندگان
می‌شوند اینگونه موانع را برطرف کنید.
- ۱۱- آرام بایستید یا بنشینید و از حرکات تند و سریع و

عصبانی و مضطربانه خودداری نمایید.

۱۲- دست‌ها را آزادانه در اطراف بدن رها کنید.

۱۳- ژست‌ها و حرکات بدن را از کتاب یاد نگیرید بلکه

از درون و از قلب بیاموزید.

۱۴- هر ژست و حرکتی را آنقدر تکرار نکنید که ...
یکنواخت باشد.^(۳۳)

پی‌نوشت:

- ۱- قصص، آیه ۳۳
- ۲- تحف العقول، مترجم ص ۶۶ چاپ
سازمان تبلیغات اسلامی، بحار
الانوار، ج ۷۷، ص ۱۳۱
- ۳- کنز العمال، ج ۱۰، خطبه ۲۸۷۷۵
- ۴- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۴۹۰
- ۵- غرر الحکم، ج ۵، ص ۴۰ با شرح محقق
خوانساری، انتشارات دانشگاه تهران
- ۶- عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۰۴
- ۷- غرر الحکم، ج ۶، ص ۳۳۱، حدیث
۴۲۴، ترجمه مرحوم خوانساری،
چاپ دانشگاه تهران
- ۸- یوسف، آیه ۱۰۸
- ۹- اسراء، آیه ۳۶
- ۱۰- کهف، آیه ۶۵
- ۱۱- بقره، آیه ۱۸
- ۱۲- نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۱۷۱
- ۱۳- فهرست غرر
- ۱۴- کنز العمال، ج ۳، ص ۸۲، خطبه ۵۶۱۲
- ۱۵- عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۷،
حدیث ۶۹، معانی الاخبار، ص ۱۸۰،
بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۰، حدیث ۱۳
- ۱۶- الحیاه، ج ۱، ص ۹۶، به نقل از تحف
العقول
- ۱۷- بحار الانوار، ج ۲، ص ۷۷، حدیث ۶۱
- ۱۸- تبلیغ و مبلغ در آثار شهید مطهری،
ص ۱۸۶
- ۱۹- تبلیغ و مبلغ در آثار شهید مطهری،
ص ۱۶۸
- ۲۰- الکافی، ج ۲، ص ۱۱۶، الحیاه، ج ۱،
ص ۱۵۷
- ۲۱- شعراء، آیه ۱۰۹
- ۲۲- انسان، آیه ۹
- ۲۳- مفاتیح الجنان، مناجات شعبانیه
- ۲۴- احزاب، آیه ۲۹
- ۲۵- الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۵۴
- ۲۶- انبیاء، آیه ۵۷
- ۲۷- مائده، آیه ۵۴
- ۲۸- تحف العقول، ترجمه آیت الله
جتی، ص ۴۸
- ۲۹- طه، آیه ۲۹
- ۳۰- اعراف، آیه ۶۰ و ۶۱
- ۳۱- اعراف، آیه ۶۷ و ۶۸
- ۳۲- شوری، آیه ۱۵
- ۳۳- قرآن و تبلیغ، محسن قرائتی
- ۳۴- انتقام، آیه ۵۳
- ۳۵- تحف العقول با ترجمه آیت الله
جتی، ص ۲۹
- ۳۶- اسراء، آیه ۳۶
- ۳۷- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴ بحار الانوار،
ج ۷، ص ۱۲۰
- ۳۸- قصص، آیه ۵۶
- ۳۹- تغاب، آیه ۱۰۷
- ۴۰- آل عمران، آیه ۱۲۸
- ۴۱- آل عمران، آیه ۱۵۹
- ۴۲- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۵۱، ص ۱۵۷
- ۴۳- یونس، آیه ۹۹
- ۴۴- طه، آیات ۲۳ و ۲۴
- ۴۵- آل عمران، آیه ۱۵۹
- ۴۶- نساء، آیه ۸
- ۴۷- تاریخ ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۳۳
- ۴۸- بحار الانوار، چاپ بیروت، ج ۲،
ص ۶۲
- ۴۹- کنز العمال، ج ۳، ص ۶۶
خطبه ۵۵۱۳
- ۵۰- شعراء، آیه ۲۱۵
- ۵۱- اسراء، آیه ۳۷
- ۵۲- امالی طوسی، ج ۱، ص ۷، انتشارات
دارالفقاه قم
- ۵۳- هود، آیه ۶۲
- ۵۴- یونس، آیه ۱۶
- ۵۵- مؤمنون، آیه ۶۹
- ۵۶- یوسف، آیه ۲۶
- ۵۷- مریم، آیه ۲۸
- ۵۸- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۳۲۸
- ۵۹- اعراف، آیه ۳۶
- ۶۰- بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۸۹
- ۶۱- غرر الحکم، ج ۱، ص ۴۵۳
- ۶۲- آیین سخنرانی، ص ۳۴
- ۶۳- آیین سخنرانی، صفحات ۳۳۷ و ۳۳۱

بهبودی و اصلاح این ظواهر ناراحت کننده را تقویت
وضع روحیه می داند و می فرماید:

«سَلِّحِ الظَّوَاهِرَ عُنْوَانُ صِحَّةِ الضَّمَائِرِ»

صلاح و سلامتی وضع ظاهری انسان،
نشانه‌ای است که از سلامت و آراستگی
روحیه و اعصاب منشأ می گیرد.^(۶۱)

دلیل کارنگی می گوید: «ترس نتیجه فقدان اعتماد
است و فقدان اعتماد هم نتیجه نداشتن اطلاعات کافی
در باره کاری که می خواهید انجام دهید می باشد و این
هم از فقدان تجربه سرچشمه می گیرد پس باید تمرین
کنید و دارای تجارب موفقیت آمیزی شوید»^(۶۲)، ناگفته
نماند غیر از ویژگی های ده گانه عملی و اخلاقی که به
آن ها بطور اختصار پرداخته شد موارد دیگری نیز وجود
دارد که می توان از ویژگی های اخلاقی خطیب اسلامی
به شمار آورد و لکن در این مقاله به همین مقدار بسنده
کرده و آنرا با توصیه های چهارده گانه دکتر دلیل کارنگی
به پایان می بریم:

- ۱- موقعی که خسته هستید نطق نکنید بلکه استراحت
کرده و نیروی خود را ذخیره نمایید.
- ۲- قبل از نطق کردن، مقداری غذا بخورید.
- ۳- کاری نکنید که انرژی شما کاسته شود، زیرا انرژی
قوه مغناطیسی دارد و مردم در اطراف مرد با انرژی
جمع می شوند.
- ۴- بطور آراسته و مناسب لباس بپوشید تا جذاب واقع
شوید.
- ۵- تبسم کنید تا شنوندگان احساس کنند از دیدن آن ها
خوشحالید.
- ۶- شنوندگان را در یک نقطه جمع کنید زیرا هیچ
گروهی را در موقعی که پراکنده است به آسانی
نمی توان تحت تاثیر قرار داد.
- ۷- اگر برای عده کمی صحبت می کنید آن ها را در یک
اتاق کوچک جا دهید و در جای مرتفع دور از
شنوندگان قرار نگیرید.
- ۸- هوای محل سخنرانی را پاکیزه و تهویه شده نگاه
دارید.
- ۹- محلی را که در آن سخنرانی می کنید، روشن نگه
دارید تا نور به صورت شما بتابد و همه شما را ببینند.
- ۱۰- اگر افرادی در اطراف شما قرار دارند با کوچکترین
تکان خوردنی سبب حواس پرتی شنوندگان
می شوند اینگونه موانع را برطرف کنید.
- ۱۱- آرام بایستید یا بنشینید و از حرکات تند و سریع و

عصبانی و مضطربانه خودداری نمایید.

۱۲- دست ها را آزادانه در اطراف بدن رها کنید.

۱۳- ژست ها و حرکات بدن را از کتاب یاد نگیرید بلکه
از درون و از قلب بیاموزید.

۱۴- هر ژست و حرکتی را آنقدر تکرار نکنید که ...
یکتواخت باشد.^(۶۳)

پی نوشت:

- ۱- قصص، آیه ۳۲
- ۲- تحف العقول، مترجم ص ۶۶ چاپ
سازمان تبلیغات اسلامی، بحار
الانوار، ج ۷، ص ۱۲۱
- ۳- کنز العمال، ج ۱۰، خطبه ۲۸۷۵
- ۴- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۲۹۰
- ۵- غرر الحکم، ج ۵، ص ۲۰ با شرح محقق
خوانساری، انتشارات دانشگاه تهران
- ۶- عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۰۴
- ۷- غرر الحکم، ج ۶، ص ۳۳۱، حدیث
۲۲۶، ترجمه مرحوم خوانساری،
چاپ دانشگاه تهران
- ۸- یوسف، آیه ۱۰۸
- ۹- اسراء، آیه ۳۶
- ۱۰- کهف، آیه ۶۵
- ۱۱- بقره، آیه ۱۸
- ۱۲- نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۱۷۱
- ۱۳- فهرست غرر
- ۱۴- کنز العمال، ج ۳، ص ۸۴ خطبه ۵۶۱۲
- ۱۵- عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۷،
حدیث ۶۹، معنی الاخبار، ص ۱۸۰،
بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۰، حدیث ۱۳
- ۱۶- الحیاه، ج ۱، ص ۹۶، به نقل از تحف
العقول
- ۱۷- بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۷۷، حدیث ۶۱
- ۱۸- تبلیغ و مبلغ در آثار شهید مطهری،
ص ۱۸۶
- ۱۹- تبلیغ و مبلغ در آثار شهید مطهری،
ص ۱۶۸
- ۲۰- الکافی، ج ۲، ص ۱۱۶، الحیاه، ج ۱،
ص ۱۵۷
- ۲۱- شعراء، آیه ۱۰۹
- ۲۲- انسان، آیه ۹
- ۲۳- مفاتیح الجنان، مناجات شعبانیه
- ۲۴- احزاب، آیه ۲۹
- ۲۵- الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۵۲
- ۲۶- انبیاء، آیه ۵۷
- ۲۷- مائده، آیه ۵۲
- ۲۸- تحف العقول، ترجمه آیت الله
جتی، ص ۴۸
- ۲۹- طه، آیه ۲۵
- ۳۰- اعراف، آیه ۶۰ و ۶۱
- ۳۱- اعراف، آیه ۶۷ و ۶۸
- ۳۲- شوری، آیه ۱۵
- ۳۳- قرآن و تبلیغ، محسن قرائتی
- ۳۴- انتقام، آیه ۵۷
- ۳۵- تحف العقول با ترجمه آیت الله
جتی، ص ۲۹
- ۳۶- اسراء، آیه ۳۶
- ۳۷- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴ بحار الانوار،
ج ۷، ص ۱۲۰
- ۳۸- قصص، آیه ۵۶
- ۳۹- انتقام، آیه ۱۰۷
- ۴۰- آل عمران، آیه ۱۲۸
- ۴۱- آل عمران، آیه ۱۵۹
- ۴۲- بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۵۱، ص ۱۵۷
- ۴۳- یونس، آیه ۹۹
- ۴۴- طه، آیات ۲۲ و ۲۴
- ۴۵- آل عمران، آیه ۱۵۹
- ۴۶- نساء، آیه ۸
- ۴۷- تاریخ ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۳۳
- ۴۸- بحار الانوار، چاپ بیروت، ج ۲،
ص ۶۲
- ۴۹- کنز العمال، ج ۳، ص ۶۶
خطبه ۵۵۱۲
- ۵۰- شعراء، آیه ۲۵
- ۵۱- اسراء، آیه ۲۷
- ۵۲- امامی طوسی، ج ۱، ص ۷، انتشارات
دارالفقاه قم
- ۵۳- هود، آیه ۶۲
- ۵۴- یونس، آیه ۱۶
- ۵۵- مؤمنون، آیه ۶۹
- ۵۶- یوسف، آیه ۳۶
- ۵۷- مریم، آیه ۲۸
- ۵۸- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۳۲۸
- ۵۹- اعراف، آیه ۳۶
- ۶۰- بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۸۹
- ۶۱- غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۵۳
- ۶۲- آئین سخنرانی، ص ۳۴
- ۶۳- آئین سخنرانی، صفحات ۳۳۱ و ۳۳۲